

بررسی میزان آسیب‌پذیری در برابر فقر در مناطق روستایی شهرستان فسا

عبدالرسول شیروانیان و محمد بخشوده*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۲/۱۵

چکیده

توجه به ریسک و مخاطره در مباحث مربوط به فقر به طور گسترده مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است. در این ارتباط آسیب‌پذیری در برابر فقر، موضوعی است که در اولویت‌بندی ریسک‌های اجتماعی نامطلوب و مدیریت استراتژی ریسک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس این مقاله به بررسی این موضوع در سطح خرد در مناطق روستایی می‌پردازد. به این منظور از معیارهای خطرپذیری، خط فقر مطلق افزوده و شاخص‌های فقر فوستر و هم‌کاران استفاده شد. آمار و اطلاعات مورد نیاز به صورت پیمایشی از ۱۲۰ خانوار در سه روستای شهرستان فسا به دست آمد. نتایج حاکی از آن است که ۴۶/۶۶ درصد خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، دارای کم‌ترین خطرپذیری هستند، ۴۰ درصد خانوارها همواره بالاترین سطح خطرپذیری را به خود اختصاص داده‌اند و همیشه در معرض آسیب‌های فقر قرار دارند. برای ۱۳/۳۴ درصد باقی‌مانده‌ی خانوارها، فقر یک تهدید بوده و این گروه از خانوارها درعین غیرفقیر بودن، آسیب‌پذیر در برابر فقر هستند. همچنین نتایج بیانگر آن است که، برای نیل به موفقیت کامل در زمینه‌ی رهایی خانوارها از پدیده‌ی فقر، کمک و یاری به آنان باید به میزانی بیش از آن صورت گیرد که آن‌ها را به سطح خط فقر مطلق می‌رساند. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن معیار میزان خطرپذیری، تاثیر هر واحد مساعدت به فقرا به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. نتیجه‌ی دیگر شایان یادآوری آن است که معیار خطرپذیری بر لایه‌های درونی فقر اثرگذار است و می‌تواند زمینه را برای کاهش هر چه بیش‌تر و سریع‌تر عمق فقر و ترمیم موثرتر آسیب‌های وارده به خانوارها فراهم کند.

طبقه‌بندی JEL: R0, I3, D8, DI

واژه‌های کلیدی: خطرپذیری، خط فقر مطلق افزوده، آسیب‌پذیری، فقر، فقر روستایی، فسا

* به ترتیب عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی فارس، و دانشیار بخش اقتصاد کشاورزی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه شیراز

E-mail: bakhshoodeh@gmail.com

مقدمه

در ادبیات فقر بسته به شرایط مکانی و زمانی مختلف، تعریف‌های گوناگونی برای فقر ارایه شده است (زاهدی عبقری، ۱۳۷۵؛ رضوی، ۱۳۸۲؛ جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷). اما، آن چه از مجموع تعریف‌های ارایه شده برای فقر قابل استنباط است آن است که توانایی مالی گروه‌های فقیر در تامین مخارج زندگی اندک است (شفیعی و بخشوده، ۱۳۸۴). در سال‌هایی اخیر این دیدگاه در ادبیات فقر مطرح شده است که در تعریف فقر توجه به امنیت تامین کمینه درآمد نیز ضروری است (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴؛ بانک جهانی، ۲۰۰۱؛ کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶). زیرا، وجود ریسک و مخاطره به عنوان منبع نبود اطمینان، افراد فقیر را به سمت انتخاب فعالیت‌های با بازده کم‌تر سوق داده است. این افراد بیش‌تر سعی می‌کنند منابع محدود خود را به فعالیت‌های با بازده کم‌تر اما دارای سطح اطمینان قابل قبول‌تر از نظر تامین کمینه معاش، اختصاص دهند. این امر نه تنها زمینه را برای بروز و یا تشدید پدیده‌ی فقر فراهم ساخته بلکه توجه به ریسک و مخاطره را در مباحث مربوط به فقر به یک ضرورت تبدیل کرده است (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶).

به طور کلی خانوارها در برابر ریسک‌های گوناگونی قرار دارند که می‌توان آن را در سه گروه عمده جای داد: ریسک‌های سطح کلان (مانند جنگ و بحران‌های اقتصادی)، ریسک‌های طبیعی (مانند زلزله، سیل و دیگر بلایای طبیعی) و ریسک‌های خاص هر خانوار (مانند مواجه شدن با بیماری، از کارافتادگی و از دست دادن سرپرست خانوار)، (بانک جهانی، ۲۰۰۱؛ کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶). مجموعه‌ی این ریسک‌ها تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر خانوارها، بویژه خانوارهای فقیر دارد. در این باره آن چه بیش از همه مهم و سرنوشت‌ساز است، نحوه‌ی واکنش خانوارها در پیوند با این گونه ریسک‌ها است که از آن با عنوان "مدیریت استراتژیک ریسک" یاد می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۰۱). این استراتژی‌ها به سه دسته جدا می‌شوند: استراتژی‌های کاهش احتمال وقوع روی داد ریسکی، استراتژی‌های کاهش اثرات و پیامدهای روی داد ریسکی در صورت وقوع آن روی داد و استراتژی‌های حذف اثرات و پیامدهای روی داد ریسکی (بانک جهانی، ۲۰۰۱؛ کویی و هم‌کاران، ۲۰۰۵).

اعتقاد بر این است که برای مدیریت ریسک، فهرست کردن و تلاش برای توجه به همه‌ی ریسک‌های موجود، نه امکان‌پذیر است و نه نیازی به در نظر گرفتن همه‌ی آن‌ها است. بلکه آن چه در این زمینه ضروری است، اولویت‌بندی آن دسته از ریسک‌هایی است که از نظر اجتماعی قابل قبول نیستند. تجزیه و تحلیل‌های فقر و آسیب‌پذیری در برابر آن اشاره بر این دارد که رسیدن به این هدف، چندان پیچیده و دشوار نیست (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶). زیرا فقر از یک سو به عنوان یکی از مباحث مهم در ادبیات توسعه مطرح، و زدودن فقر از جامعه یکی از اهداف اصلی توسعه‌ی اقتصادی است (میرزاخانی، ۱۳۷۴؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ خالدی و پرمه، ۱۳۸۴؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶) و از سوی دیگر، بحث ریسک در پیوند با فقر، اول تمایل به تمرکز بر اثرات منفی و نامطلوب ریسک دارد که از نظر اجتماعی غیر قابل قبول است (کالوو و درکون، ۲۰۰۵؛ کوبی و هم‌کاران، ۲۰۰۵). و دوم اصطلاح "در معرض ریسک" در پیوند با فقر در مواردی به کار می‌رود که فرد یا خانوار دارای درآمدی زیر خط فقر باشد (کیکیلیاس و گازون، ۲۰۰۵). با توجه به این موارد یکی از مهم‌ترین ریسک‌ها، ریسک فقیر شدن افراد یا باقی ماندن آن‌ها در فقر است که از آن با عنوان "آسیب‌پذیری در برابر فقر" یاد می‌شود (کوبی و هم‌کاران، ۲۰۰۵).

روش‌های گوناگونی برای اندازه‌گیری آسیب‌پذیری در برابر فقر وجود دارد. یکی از این روش‌ها، استفاده از معیار "خطرپذیری" است که توانایی تفسیر معمای "غیرفقیر اما آسیب‌پذیر" را نیز دارا بوده و با تلفیق آن در شاخص‌های فقر، می‌توان میزان آسیب‌پذیری در برابر فقر را تعیین کرد (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶). هم‌چنین با استفاده از این معیار، می‌توان درجه‌ی اهمیت روی‌داد ریسکی، لزوم مقابله با آن و میزان امکانات مالی مورد نیاز برای محافظت در برابر شرایط ریسکی را نشان داد (بروور و هم‌کاران، ۲۰۰۷).

1-At risk

2-Vulnerability to poverty

3-Risk exposure

4-Non-poor but vulnerable

ایران مانند همه کشورهای در حال توسعه جهان با مساله فقر و گستردگی این پدیده در جامعه روستایی روبه‌رو است (داداش‌زاده، ۱۳۷۰؛ معنوی، ۱۳۷۸؛ زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۴؛ جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷). در این کشور خانوارهای روستایی در مقایسه با خانوارهای شهری در وضعیت نامطلوب‌تری قرار دارند؛ به طوری که، شدت فقر و نابرابری در میان فقرا در مناطق روستایی بیش‌تر از مناطق شهری است (عابدی، ۱۳۸۱؛ محمودی، ۱۳۸۱؛ محمودی، ۱۳۸۲). در ایران، توجه به ریسک در مطالعه‌های فقر، به صورت غیرمستقیم و حاشیه‌ای بوده است (میرزاخانی، ۱۳۷۴؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ خالدی و پرمه، ۱۳۸۴؛ رییس‌دانا، ۱۳۸۴؛ زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۴؛ جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷). افزون بر آن، مطالعه‌های کلان صورت گرفته در زمینه فقر در جامعه روستایی ایران، به طور عموم در کلی‌ترین سطوح اطلاعاتی باقی مانده است و نتوانسته‌اند با تعریف مصادیق مشخصی که اغلب فقط از طریق مطالعه‌های خرد به دست می‌آید، به استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دقیق، هدف‌مند و موفق منجر شوند (زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۴). با توجه به مجموع موارد بالا، این مطالعه ریسک را به صورت پررنگ‌تر در مطالعه فقر و آسیب‌پذیری جامعه روستایی در برابر فقر در سطح خرد مورد توجه قرار می‌دهد تا از این ره‌گذر گامی در جهت منطقی‌تر کردن تدوین استراتژی‌های مناسب و هدف‌مند فقرزدایی بردارد.

از آن جا که، شهرستان فسا یکی از شهرستان‌های استان فارس با اقلیم خشک و نیمه‌خشک است که در سال‌های اخیر با پدیده‌ی خشک‌سالی روبه‌زود شده است؛ و هم‌چنین بنا به گفته‌ی کارشناسان شدت خشک‌سالی اخیر در چهار دهه‌ی گذشته بی‌سابقه بوده و سبب کاهش درآمد خانوارها، نامناسب شدن وضعیت معیشتی آن‌ها و گسترش فقر در بین خانوارهای روستایی این شهرستان شده است، این مقاله به صورت موردی بر آسیب‌پذیری در برابر فقر در مناطق روستایی شهرستان فسا تمرکز دارد.

روش تحقیق

برای تفسیر معمای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر و نیز تعیین میزان آسیب‌پذیری در برابر فقر، نخست نیاز به برآورد معیار خطرپذیری است. برای تعیین این معیار روش‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این روش‌ها، استفاده از متغیرهایی است که بر اساس آن بتوان درجه‌های مختلفی از ریسک فقر را بیان کرد (بروور و هم‌کاران، ۲۰۰۷؛ SSDAN، ۲۰۰۸). وضعیت فقر یکی از این متغیرهاست (بروور و هم‌کاران، ۲۰۰۷؛ SSDAN، ۲۰۰۸). بسته به این که برای فقر چه وضعیت‌هایی را بتوان در نظر گرفت، می‌توان طیف‌های گوناگونی از میزان خطرپذیری را ارائه کرد (SSDAN، ۲۰۰۸). بر این اساس و با توجه به این که تعداد افراد فقیر جامعه، در طول زمان، ثابت نیست بلکه بسته به شرایط، این تعداد تغییر می‌کند، به طوری که در دوره‌های مختلف برخی از افراد غیرفقیر، فقیر و برخی از افراد فقیر، غیرفقیر می‌شوند؛ کامل‌ترین طیف خطرپذیری آن است که افراد جامعه را به سه وضعیت افراد همیشه فقیر، افرادی که برخی مواقع فقر هستند و افراد همیشه غیرفقیر جدا کرد. بر این اساس، یک فرد ممکن است هیچ‌گاه فقیر نباشد، در این صورت میزان خطرپذیری وی برابر صفر خواهد بود (کمینه‌ی خطرپذیری). یا این که فرد ممکن است به صورت دوره‌ای فقیر باشد در این صورت میزان خطرپذیری وی به صورت دامنه‌ای بین صفر و یک میزان مثبت است (متوسط خطرپذیری). حالت سوم آن است که فرد ممکن است برای همیشه فقیر باشد. در این صورت میزان خطرپذیری وی همواره مقداری مثبت خواهد بود (بیشینه‌ی خطرپذیری) (چن و پروبرت، ۲۰۰۳؛ SSDAN، ۲۰۰۸).

چنان که دیده می‌شود، شیوه‌ی بالا به رتبه‌بندی معیار خطرپذیری می‌پردازد و اطلاعاتی در مورد میزان آن ارائه نمی‌کند. برای تعیین میزان این معیار می‌توان از روش برآورد هزینه‌ی وقوع فقر استفاده کرد. این روش مناسب‌ترین شیوه برای تعیین میزان خطرپذیری است. از نظر تیوری، حق بیمه‌ی عادلانه که از طریق میانگین آماری محاسبه می‌شود، شاخص مناسبی برای این هزینه است (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶). اما، در مواردی که بازارهای رسمی بیمه به خوبی توسعه یافته باشند، حق بیمه‌ی بازار می‌تواند نماینده‌ی مناسبی برای حق بیمه‌ی عادلانه باشد.

از آن جا که در بیش تر موارد، بویژه در کشورهای در حال توسعه، بازارهای رسمی به طور مناسب توسعه نیافته اند، برای تعیین هزینه ی وقوع فقر نیاز به شبیه سازی بازار بیمه است. برای رسیدن به این هدف، نیاز به تعیین احتمال وقوع فقر و نیز تعیین پیامدهای وقوع این پدیده است (چن و پروبرت، ۲۰۰۳ کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶). با توجه به موارد گفته شده، فرم ریاضی معیار خطرپذیری به صورت زیر قابل ارایه است (تیلور، ۲۰۰۲؛ اسمیث، ۲۰۰۵؛ کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶):

$$RE_i = P_i \times C_i \quad (1)$$

که در آن RE_i میزان خطرپذیری خانوار i ام، P_i احتمال وقوع فقر در خانوار i ام و C_i پیامد وقوع فقر برای خانوار i ام است. هزینه ی ریسکی که به این ترتیب با استفاده از معیار خطرپذیری تعیین می شود، ریسک فقر را به طور کامل تحت پوشش قرار می دهد (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶).

احتمال وقوع فقر برای هر خانوار با استفاده از تعداد دفعات فقر تجربه شده توسط آن خانوار در طول سال به دست آمد. به این ترتیب که نسبت تعداد ماههایی که هر خانوار در طول سال فقیر بوده به کل ماههای سال، احتمال وقوع ریسک فقر را برای آن خانوار نشان می دهد. این احتمال با استفاده از روابط ریاضی به صورت زیر بیان می شود (تیلور، ۲۰۰۲؛ کآریک و هم کاران، ۲۰۰۲؛ چن و پروبرت، ۲۰۰۳؛ رهم، ۲۰۰۵):

$$P_i = \frac{V_i}{n} \quad (2)$$

که در آن، P_i احتمال وقوع فقر در خانوار i ام، V_i تعداد ماههای وقوع فقر برای خانوار i ام در طول سال و n تعداد ماههای سال است.

پیامدهای وقوع فقر در هر خانوار می تواند به صورت های مختلف از قبیل کاهش در میزان درآمد، از دست دادن موقعیت مناسب و یا تحمیل هزینه بر آن خانوار باشد (تیلور، ۲۰۰۲ چن و پروبرت، ۲۰۰۳). با این همه، مجموعه ی این موارد سرانجام تاثیر خود را به صورت کاهش یا از دست دادن درآمد برای آن خانوار نشان می دهد. بر این اساس، می توان میزان پیامد وقوع

فقر را برای هر خانوار با استفاده از میزان پایین افتادن درآمد آن خانوار از آستانه‌ی فقر (خط فقر) بیان کرد (چن و پروبرت، ۲۰۰۳).

برای تفسیر معمای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر و تعیین میزان آسیب‌پذیری در برابر فقر نیاز به ادغام معیار خطرپذیری در شاخص‌های اندازه‌گیری فقر است. یکی از پیش‌رفته‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های فقر، مجموعه‌ی شاخص‌های فقر FGT^۱ است. با استفاده از این مجموعه می‌توان شاخص‌های نسبت سرشمار^۲، نسبت شکاف فقر^۳ و شدت فقر^۴ را به دست آورد (عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۴؛ داگلاس و هم‌کاران، ۲۰۰۲؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶). فرم کلی مجموعه‌ی شاخص‌های فقر FGT به صورت زیر است (داگلاس و هم‌کاران، ۲۰۰۲؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶):

$$FGT = P(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{Z - x_i}{Z} \right)^\alpha, \alpha = 0, 1, 2. \quad (3)$$

که در آن، n تعداد کل خانوارهای مورد مطالعه، q تعداد خانوارهای فقیر، Z خط فقر و x_i درآمد خانوار فقیر i ام نمونه‌ی مورد مطالعه است. در رابطه‌ی بالا، α پارامتری است که با توجه به مقدار آن می‌توان هر یک از شاخص‌های نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و شدت فقر را تعیین کرد. به این ترتیب که چنانچه مقدار پارامتر α برابر صفر، یک و یا دو باشد، به ترتیب شاخص نسبت سرشمار، شاخص نسبت شکاف فقر و شاخص شدت فقر به دست می‌آید. فرم ریاضی هر یک از این شاخص‌ها به صورت زیر است (داگلاس و هم‌کاران، ۲۰۰۲؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶):

$$H = P(0) = \frac{q}{n} \quad (4)$$

$$G = P(1) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{Z - x_i}{Z} \right) \quad (5)$$

-
1. Foster, Greer and Thorbecke
 2. Headcount ratio
 3. Poverty gap ratio
 4. Severity of poverty

$$S = P(2) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{Z - x_i}{Z} \right)^2 \quad (6)$$

در روابط بالا H شاخص نسبت سرشمار فقر، G شاخص نسبت شکاف فقر و S شاخص شدت فقر است. متغیرها و پارامترهای دیگر در گذشته تعریف شده‌اند. برای ادغام معیار خطرپذیری در شاخص‌های اندازه‌گیری فقر، تعدیل خط فقر مورد استفاده در این شاخص‌ها با استفاده از این معیار است. به این ترتیب که چنان چه در محاسبه‌ی خط فقر مطلق، افزون بر هزینه‌ی نیازهای غذایی و غیرغذایی، میزان خطرپذیری نیز اضافه شود، خط فقر مطلق افزوده (AAPL)^۱ به دست خواهد آمد که ریسک فقر را به طور کامل تحت پوشش قرار می‌دهد. گفتنی است که بر خلاف خط فقر مطلق که میزان آن برای همه‌ی خانوارها یکسان و ثابت است، میزان خط فقر مطلق افزوده، بسته به میزان خطرپذیری هر خانوار، می‌تواند از خانواری به خانوار دیگر تغییر کند. فرم کلی شاخص‌های فقر FGT با توجه به خط فقر مطلق افزوده به صورت زیر است (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶):

$$P_{\alpha}(x, RE, Z) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{(Z + RE_i) - x_i}{(Z + RE_i)} \right)^{\alpha} \quad \alpha = 0, 1, 2. \quad (7)$$

که در آن RE_i میزان خطرپذیری خانوار i ام و $Z + RE_i$ خط فقر مطلق افزوده‌ی خانوار i ام است. دیگر متغیرها و پارامترها در قبل تعریف شده‌اند. در این رابطه نیز مانند رابطه‌ی (۳)، چنان چه مقدار پارامتر α برابر صفر، یک و یا دو باشد، به ترتیب شاخص نسبت سرشمار، شاخص نسبت شکاف فقر و شاخص شدت فقر با توجه به خط فقر مطلق افزوده به دست می‌آید (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶).

تفاوت شاخص‌های فقر FGT در دو وضعیت با خط فقر مطلق و با خط فقر مطلق افزوده نشان دهنده‌ی وضعیت آسیب‌پذیری در برابر فقر خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه است که با توجه به شاخص‌های نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و شدت فقر می‌توان آسیب‌پذیری را از زاویه‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (کفیرو و وکیس، ۲۰۰۶). گفتنی است که برای بررسی معنی‌داری آماری اختلاف بین هر یک از شاخص‌های یاد شده در وضعیت‌های با

1- Augmented absolute poverty line

خط فقر مطلق و یا خط فقر مطلق افزوده، از آزمون آماری t استفاده شد که مناسب‌ترین آزمون مقایسه‌ی میانگین‌ها در دو وضعیت است. در این آزمون از رابطه‌ی زیر استفاده می‌شود (بالوک، ۱۹۷۲؛ گجراتی، ۲۰۰۵):

$$t = \frac{x_1 - x_2}{\sqrt{\left(\frac{s_1^2}{n_1}\right) + \left(\frac{s_2^2}{n_2}\right)}} \quad (۸)$$

که در آن t مقدار آماری محاسباتی، x_1 و x_2 به ترتیب، میانگین شاخص مورد نظر در دو وضعیت با خط فقر مطلق و با خط فقر مطلق افزوده، s_1 و s_2 به ترتیب، انحراف معیار شاخص مورد نظر در دو وضعیت یادشده، و n_1 و n_2 به ترتیب، تعداد خانوارهای قرار گرفته در محدوده‌ی فقر با توجه به هر یک از خط‌های فقر مطلق و مطلق افزوده است. در این رابطه چنان چه مقدار t محاسباتی از مقدار t بیش‌تر باشد، اختلاف معنی‌دار بین مقدار شاخص فقر محاسبه شده در دو وضعیت با خط فقر مطلق و با خط فقر مطلق افزوده وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نخواهد بود (بالوک، ۱۹۷۲؛ گجراتی، ۲۰۰۵).

آمار و اطلاعات مورد نیاز در این مطالعه مربوط به سال ۱۳۸۶ است که با استفاده از شیوه‌ی پیمایشی از روستاهای شهرستان فسا در استان فارس به دست آمد. به این منظور از روش نمونه‌گیری مشابه با روش نمونه‌گیری به کار رفته در مطالعه‌های گروتیرت و نارایان (۲۰۰۴) و حیاتی و کرمی (۲۰۰۵) استفاده شد که به ترتیب، به مطالعه‌ی تاثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر فقر و رفاه خانوارهای روستایی در بولیوی و مطالعه‌ی رفتار کشاورزان در زمینه‌ی عوامل ایجاد کننده‌ی فقر در استان فارس پرداخته‌اند. در این مطالعه‌ها برای انتخاب روستاهای مورد مطالعه از سطح امکانات رفاهی موجود در آن‌ها استفاده شد و در ادامه با استفاده از روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی به انتخاب خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه اقدام شد. به این منظور در این مطالعه نیز نخست امکانات رفاهی اجتماعی موجود در مناطق روستایی این شهرستان مشخص شد. به طور معمول کامل‌ترین سطح امکانات رفاهی اجتماعی در روستاهای شهرستان فسا را می‌توان شامل داشتن پزشک، داروخانه، خانه‌ی به‌داشت، تحصیلات تا مقطع

پیش‌دانشگاهی دخترانه و پسرانه، پاسگاه انتظامی، بانک، سامانه‌ی حمل و نقل عمومی مناسب، مخبرات و دسترسی به انواع مغازه برای تامین مواد غذایی و دیگر نیازمندی‌های روزمره در سطح روستا دانست. روستای فدشکویه همگی امکانات یاد شده را دارا بوده و از تنوع در مغازه‌های تامین مواد غذایی، لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها برخوردار است. افزون بر آن، این روستا در مسیر جاده‌ی اصلی بین شهرستان فسا، شهر زاهدشهر و شهرستان جهرم قرار دارد. روستای یاسریه از بین مجموعه‌ی امکانات بالا، بدون پاسگاه انتظامی، بانک، سامانه‌ی حمل و نقل عمومی مناسب، تحصیلات در مقطع پیش‌دانشگاهی دخترانه و پسرانه و مغازه‌های لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها در سطح روستا است. همچنین روستای یاد شده در مسیر جاده‌ی اصلی بین شهرستان‌ها قرار ندارد. روستای کنکان از بین مجموعه‌ی امکانات یاد شده، بدون پرشک، داروخانه، تحصیلات در مقاطع راهنمایی و بالاتر دخترانه و پسرانه، پاسگاه انتظامی، بانک، سامانه‌ی حمل و نقل عمومی مناسب، مغازه‌های مناسب برای تامین مواد غذایی، مغازه‌های لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها در سطح روستا است. همچنین این روستا در مسیر جاده‌ی اصلی بین شهرستان‌ها قرار ندارد. بر این اساس، روستای فدشکویه به عنوان نماینده‌ی روستاهای برخوردار از بیش‌ترین سطح دسترسی به این امکانات رفاهی اجتماعی، روستای کنکان به عنوان نماینده‌ی روستاهای برخوردار از کم‌ترین سطح دسترسی به این امکانات و روستای یاسریه به عنوان نماینده‌ی روستاهایی که به طور نسبی برخوردار از سطح دسترسی به امکانات رفاهی هستند، برای مطالعه انتخاب شدند. در ادامه، در هر یک از این مناطق با استفاده از روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی و به کمک رابطه‌ی زیر حجم نمونه تعیین شد (کالتون، ۱۹۹۰):

$$n = \frac{N\delta^2}{(N-1)\left(\frac{B}{4}\right) + \delta^2} \quad (9)$$

در این رابطه، n حجم نمونه‌ی مورد مطالعه، N تعداد خانوارهای موجود در هر یک از روستاهای منتخب، δ^2 واریانس وضعیت مالی خانوارها در هر یک از روستاهای منتخب است

که به دلیل در اختیار نبودن اطلاعات مربوط به آن، از رابطه‌ی (۷) به تعیین تقریب آن اقدام شد (کالتون، ۱۹۹۰):

$$\delta^2 \equiv \left(\frac{\text{Max}_{\text{yield}} - \text{Min}_{\text{yield}}}{4} \right)^2 \quad (10)$$

هم‌چنین، B خطای اندازه‌گیری است که ۱۰ درصد در نظر گرفته شد. به این ترتیب، با استفاده از رابطه‌ی بالا، ۱۲۰ پرسش‌نامه از خانوارهای این سه روستا از طریق انجام مصاحبه، تکمیل شد و مورد استفاده قرار گرفت. گفتنی است که با توجه به نیاز به آمار و اطلاعات در مقاطع مختلف زمانی برای محاسبه‌ی معیار خطرپذیری از یک سو و از سوی دیگر برای گریز از مشکلات مربوط به داده‌های سری زمانی و نیز هزینه‌بر بودن افزایش طول دوره‌ی مطالعه، آمار و اطلاعات یک سال (۱۳۸۶) در چهار مقطع زمانی جمع‌آوری شد.

هم‌چنین، در این مطالعه از خط فقر محاسبه شده به وسیله‌ی نجفی و شوشتریان (۲۰۰۶) در مناطق روستایی استان فارس استفاده شد. ایشان برای برآورد خط فقر مطلق که نیازهای اساسی و اولیه‌ی زندگی را فراهم سازد، نخست به برآورد کمینه‌ی مخارج غذایی لازم برای یک زندگی در وضعیت سلامت که به خط فقر غذایی پرداخته و در ادامه، کمینه‌ی مخارج غیرخوراکی لازم برای تعیین خط فقر غیرغذایی را به دست آورده و با خط فقر غذایی جمع کرده و به این ترتیب، خط فقر کل را محاسبه کرده است. گفتنی است که با توجه به متفاوت بودن نیازهای افراد بر اساس سن و جنس، در هر یک از مراحل بالا میزان خطوط فقر غذایی و غیرغذایی تعدیل شده و خط فقر مطلق به ازای هر فرد بالغ به دست آمده است. بر این اساس، میزان خط فقر مطلق برای سال ۱۳۸۶ در مناطق روستایی استان فارس به ازای هر فرد بالغ در هر ماه ۴۹۵۶۸۰/۶ ریال برآورد شده است.

نتایج و بحث

♦ معیار خطرپذیری خانوارها

جدول (۱) سطوح معیار خطرپذیری خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه را با توجه به طیف فقر نشان می‌دهد. بر این اساس، ۵۳/۳۴ درصد خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه فشار فقر را بر زندگی خود احساس کرده‌اند و از آن رنج می‌برند. این خانوارها بسته به وضعیت وقوع فقر، سطوح مختلفی از خطرپذیری را از خود بروز می‌دهند؛ به طوری که برای ۴۰ درصد خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، فقر در زندگی موضوعی قطعی و دائمی بوده و آن‌ها در معرض آسیب‌های مستقیم آن قرار دارند. این خانوارها همواره بالاترین رتبه‌ی خطرپذیری را به خود اختصاص می‌دهند. برای ۱۳/۳۴ درصد خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، فقر یک تهدید بوده و فقط در برخی مواقع سال آن را تجربه می‌کنند. هرچند این گروه از خانوارها، در پاره‌ای از مقاطع زمانی فقیر نیستند، اما به دلیل تجربه کردن آن در زمان‌های دیگر، در برابر فقر آسیب‌پذیر هستند. به این ترتیب، این موضوع تفسیری بر معمای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر در برابر فقر است. با توجه به موارد یادشده، سطح خطرپذیری برای این گروه در رتبه‌ای پایین‌تر از سطح خطرپذیری خانوارهای همیشه فقیر قرار دارد. از سوی دیگر، در بین خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، ۴۶/۶۶ درصد خانوارها هیچ‌گاه فشار فقر را بر زندگی خود احساس نکرده‌اند و فقر را تهدیدی برای خود نمی‌دانند. بر این اساس، این گروه از خانوارها پایین‌ترین رتبه‌ی خطرپذیری را به خود اختصاص می‌دهند. با توجه به مجموعه‌ی موارد بالا، هر چند بیش از نیمی از خانوارهای مورد مطالعه، پدیده‌ی فقر را در زندگی خود تجربه کرده‌اند، اما خانوارهایی که دارای کم‌ترین خطرپذیری بوده‌اند، بیش‌ترین سهم را در نمونه‌ی مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن به ترتیب، خانوارهای با سطوح بیشینه و متوسط خطرپذیری قرار گرفته‌اند.

جدول (۱). معیار خطرپذیری و احتمال فقیر شدن خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس طیف

فقر در طول سال

رتبه‌ی خطرپذیری	درصد فراوانی جمع‌ی	درصد فراوانی	تعداد خانوارها	احتمال فقیر شدن (درصد)	طیف فقر
بیشینه	۴۰/۰۰	۴۰/۰۰	۴۸	۱۰۰	همیشه فقیر
متوسط	۴۶/۶۷	۶/۶۷	۸	۷۵	برخی مواقع فقیر
	۵۳/۳۴	۶/۶۷	۸	۵۰	
	۵۳/۳۴	۰	۰	۲۵	
کمینه	۱۰۰/۰۰	۴۶/۶۶	۵۶	۰	همیشه غیرفقیر
---	---	۱۰۰	۱۲۰	---	جمع کل

ماخذ: یافته‌های تحقیق

♦ احتمال و پیامد فقیر شدن خانوارها

جدول (۱) طیف فقر را با توجه به احتمال فقیر شدن خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان‌گونه که دیده می‌شود، این احتمال دامنه‌ای بین صفر تا ۱۰۰ را زیر پوشش قرار داده است. احتمال صفر بیش‌ترین سهم را در نمونه‌ی مورد مطالعه به خود اختصاص داده است و پس از آن مقدار احتمال ۱۰۰ درصد قرار دارد. پس می‌توان دریافت که بخش غالب توزیع فراوانی خانوارهای نمونه در مقادیر انتهایی احتمال فقیر شدن قرار داشته‌اند (۸۶/۶۶ درصد) و سهم اندکی از خانوارهای نمونه (۱۳/۳۴ درصد) در مقادیر میانی احتمال فقیر شدن قرار دارند. بر این اساس توزیع فراوانی خانوارها بین مقادیر مختلف احتمال فقیر شدن، توزیعی نابرابر و نامتقارن است که به نوعی منعکس‌کننده‌ی نامناسب بودن توزیع زیرساخت‌های تامین درآمد و نیز نامناسب بودن توزیع درآمد و سیاست‌های موثر بر آن است؛ به گونه‌ای که نزدیک به نیمی (۴۶/۶۶ درصد) از خانوارها از نظر کسب درآمد در وضعیتی قرار دارند که موضوعی به نام فقر برای آن‌ها وجود خارجی ندارد (احتمال فقیر شدن برابر صفر) و در مقابل ۴۰ درصد خانوارهای نمونه از نظر کسب درآمد در وضعیتی قرار گرفته‌اند که فقر برای آنان موضوعی حتمی و قطعی است.

جدول (۲). میزان پیامد فقر و میزان خطرپذیری به ازای معادل هر فرد بالغ در سطوح مختلف احتمال فقیر شدن خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه (هزار ریال)

طیف فقر	احتمال فقیر شدن (درصد)	میانگین پیامد فقر	میانگین میزان خطرپذیری
همیشه فقیر	۱۰۰	۲۰۰/۳۹	۲۰۰/۳۹
برخی مواقع فقیر	۷۵	۴۷/۰۶	۳۵/۳۰
	۵۰	۲۱/۰۳	۱۰/۵۲
	۲۵	۰	۰
همیشه غیرفقیر	۰	۰	۰
کل نمونه	---	۸۴/۶۹	۸۳/۲۱

ماخذ: یافته‌های تحقیق

اطلاعات جدول (۲) با عمق بیش‌تری به تشریح وضعیت نامناسب توزیع درآمد خانوارها بر اساس میزان پیامد فقر پرداخته است. بر اساس اطلاعات جدول (۲)، خانوارهای واقع در مقادیر انتهایی احتمال فقیر شدن - که بر اساس اطلاعات جدول (۱) بیش از ۸۵ درصد توزیع فراوانی خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند - از نظر میزان پیامد فقر تحمیل شده بر آنان، بسیار متفاوت هستند. به طوری که خانوارهای با احتمال بالای فقر، فقط قرار گرفتن در فقر را تجربه نمی‌کنند بلکه این خانوارها به طور میانگین نسبت به سایر خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، مقادیر بیش‌تری از پیامد فقر را نیز متحمل می‌شوند. برای نمونه، خانوارهایی که بیش‌ترین احتمال فقیر شدن (۱۰۰ درصد) را دارا هستند، به طور متوسط متوجه بیش‌ترین پیامد فقر (۲۰۰/۳۹ هزار ریال به ازای معادل هر فرد بالغ خانوار) نیز بوده و به تدریج با کاهش احتمال فقیر شدن خانوارها، از میزان پیامد فقر نیز در بین آنان کاسته می‌شود. افزون بر آن با تغییر سطح احتمال، میزان تغییر در پیامد فقر بسیار زیاد و نابرابر است. با تغییر احتمال فقیر شدن خانوارها از ۱۰۰ درصد به ۷۵ درصد، میزان پیامد بیش از ۴ برابر کاهش و با تغییر این احتمال از ۷۵ درصد به ۵۰ درصد، میزان پیامد بیش از ۲ برابر کاهش نشان می‌دهد. بروز چنین پیامدهایی و تغییرات آن به موازات تغییر احتمال فقیر شدن خانوارها حاکی از شدت توزیع نابرابر درآمد در خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه است؛ به گونه‌ای که

۶۶/۴ درصد خانوارها، هیچ پیامد فقری متوجه آن‌ها نبوده، اما ۴۰ درصد خانوارها بیش‌ترین پیامد فقر را در نمونه‌ی مورد مطالعه متحمل می‌شوند.

♦ میزان خطرپذیری در خانوارها

در ادامه با داشتن مقادیر احتمال فقیر شدن و نیز میزان پیامد فقر هر یک از خانوارها می‌توان میزان خطرپذیری آنان را به دست آورد. بخشی از جدول (۲) اطلاعات مربوط به میزان خطرپذیری را در هر یک از مقادیر احتمال فقیر شدن خانوارها نشان می‌دهد. همان‌گونه که دیده می‌شود، خانوارهای همیشه فقیر در نامناسب‌ترین وضعیت از نظر میزان خطرپذیری (بیش‌ترین میزان خطرپذیری) قرار دارند. این خانوارها به دلیل قرار گرفتن در متن فقر بیش‌ترین هزینه‌ی فقر را می‌پردازند. این هزینه به طور میانگین به ازای معادل هر فرد بالغ خانوار برابر ۲۰۰/۳۹ هزار ریال است. چنان‌چه بخواهیم مساله‌ی فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه به طور کامل ریشه‌کن شود، افزون بر رساندن خانوارها به سطح آستانه‌ی فقر، باید به تحت پوشش قرار دادن ریسک خانوارها بر اساس میزان خطرپذیری آنان توجه شود. این میزان در کل نمونه‌ی مورد مطالعه به طور میانگین برابر ۸۳/۲۱ هزار ریال به ازای معادل هر فرد بالغ خانوار است. از طرف دیگر، چنان‌چه برای از بین رفتن ریسک فقر آنان به هر گروه برابر با میزان خطرپذیری‌شان پرداخت شود، با توجه به اطلاعات جدول (۲) ملاحظه می‌شود که به خانوارهای همیشه فقیر بیش از خانوارهای غالباً فقیر (۷۵ درصد موارد) و به خانوارهای غالباً فقیر بیش از خانوارهایی که در نیمی از مواقع سال فقیر (۵۰ درصد موارد) هستند، باید پرداخت شود. هم‌چنین به خانوارهای همیشه غیرفقیر، هیچ‌گونه پرداختی نباید صورت پذیرد. در صورت اجرای چنین رویه‌ای از پرداخت‌ها، افزون بر آن که فقر به طور کامل ریشه‌کن خواهد شد، توزیع درآمد نیز متعادل‌تر خواهد شد.

این نکته باید یادآوری شود که بر اساس اطلاعات جدول (۲)، در خانوارهایی که فقر، یک حتمیت در زندگی آن‌هاست، مقادیر خطرپذیری و پیامد فقر برابر است. این برابری، در مورد خانوارهایی که فقر برای آن‌ها موضوعیت ندارد نیز مصداق دارد. فقط در مورد درصد کمی از خانوارهای مورد مطالعه (۱۳/۳۴ درصد) که فقر برای آن‌ها یک تهدید است، مقادیر

خطرپذیری، متفاوت از میزان پیامد فقر است. بر این اساس در مورد گروه اخیر خانوارها، می‌توان با استفاده از صنعت بیمه، نسبت به بیمه کردن آن‌ها در برابر آسیب فقر اقدام کرد، اما برای کاهش فقر در خانوارهای همیشه فقیر و نیز برای پیش‌گیری از قرار گرفتن خانوارهای همیشه غیرفقیر در گروه خانوارهای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر از فقر، باید تدابیر دیگری اندیشید.

♦ خط فقر مطلق افزوده

برای تفسیر معمای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر و تعیین میزان آسیب‌پذیری در برابر فقر نیاز به ادغام معیار خطرپذیری در شاخص‌های اندازه‌گیری فقر و به بیان دقیق‌تر اضافه کردن میزان خطرپذیری به خط فقر مطلق است. خط فقر جدید که خط فقر مطلق افزوده نامیده می‌شود، ریسک فقر را به طور کامل تحت پوشش قرار می‌دهد. جدول (۳) میزان خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده را در خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه با توجه به سطوح مختلف احتمال فقیر شدن خانوارها نشان می‌دهد. با توجه به اطلاعات این جدول، ملاحظه می‌شود که بر خلاف خط فقر مطلق که در بین کلیه‌ی خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه مقداری یکسان و ثابت است (۴۹۵/۶۸ هزار ریال)، خط فقر جدید بسته به وضعیت فقر خانوارها، از خانواری به خانوار دیگر تغییر می‌کند. به این ترتیب که در مجموع، هر چه احتمال فقر خانوارها افزایش یابد میزان خط فقر مطلق افزوده‌ی آنان نیز بیش‌تر است؛ به طوری که خانوارهای همیشه فقیر، دارای بالاترین میزان خط فقر مطلق افزوده هستند.

جدول (۳). میزان خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده در خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه (هزار ریال)

طیف فقر	احتمال فقیر شدن (درصد)	میانگین خط فقر مطلق	میانگین خط فقر مطلق افزوده
همیشه فقیر	۱۰۰	۴۹۵/۶۸	۶۹۶/۰۷
برخی مواقع فقیر	۷۵	۴۹۵/۶۸	۵۳۰/۹۸
	۵۰	۴۹۵/۶۸	۵۰۶/۲۰
	۲۵	۴۹۵/۶۸	۴۹۵/۶۸
همیشه غیرفقیر	۰	۴۹۵/۶۸	۴۹۵/۶۸
کل نمونه	---	۴۹۵/۶۸	۵۷۸/۸۹

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۴). شاخص نسبت سرشمار در خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده

بر اساس خط فقر مطلق افزوده		بر اساس خط فقر مطلق		وضعیت فقر
درصد فراوانی	تعداد خانوارها	درصد فراوانی	تعداد خانوارها	
۴۹/۲۰	۵۹	۴۸/۳۳	۵۸	فقر
۵۰/۸۰	۶۱	۵۱/۶۷	۶۲	غیرفقر
۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۰	جمع

ماخذ: یافته‌های تحقیق

♦ شاخص‌های فقر با توجه و بدون توجه به میزان خطرپذیری

در ادامه به بررسی تاثیر میزان خطرپذیری بر شاخص‌های نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و شدت فقر مبادرت شده است. جدول (۴) نسبت سرشمار فقر را در نمونه‌ی مورد مطالعه در دو وضعیت با و بدون لحاظ کردن میزان خطرپذیری (خط فقر مطلق افزوده و خط فقر مطلق) نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول (۴) با اعمال خط فقر مطلق افزوده بر تعداد خانوارهای فقیر نمونه‌ی مورد مطالعه افزوده و از تعداد افراد غیرفقیر کاسته شده است. اما این تغییر، بسیار اندک (کم‌تر از یک درصد خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه) بوده است. بر این اساس می‌توان چنین استنباط کرد که استفاده از معیار خطرپذیری، بر لایه‌ی سطحی فقر تاثیر ناچیزی بر جای می‌گذارد. اما همین تاثیر ناچیز به گونه‌ای است که برخی از خانوارهای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر از فقر را در گروه فقرا قرار داده است. این در حالی است که در محاسبه‌ی نسبت سرشمار فقر بدون توجه به معیار خطرپذیری، این گونه خانوارها، در گروه غیرفقرا دسته‌بندی می‌شوند. در وضعیت اخیر، این خانوارها در برنامه‌های فقرزدایی مورد توجه قرار نخواهند گرفت. توجه نکردن به چنین خانوارهایی که به صورت موردی در معرض آسیب‌های جدی فقر قرار دارند موجب می‌شود که این خانوارها در گذر زمان، در گروه خانوارهای همیشه فقیر قرار گیرند. هرچند برنامه‌های فقرزدایی، گروهی از خانوارهای فقیر را از فقر رها می‌سازد، اما به دلیل ضعف این برنامه‌ها در توجه به خانوارهای غیرفقیر اما در

معرض آسیب‌های جدی فقر، همواره گروه دیگری از خانوارها جایگزین خانوارهای رها شده از فقر خواهند شد. به این ترتیب نمی‌توان موفقیت چندانی را برای برنامه‌های فقرزدایی انتظار داشت. بر این اساس، برای رسیدن به موفقیت هر چه بیش‌تر در برنامه‌های فقرزدایی، توجه به معیار خطرپذیری ضروری به نظر می‌رسد.

در جدول (۵) شاخص نسبت شکاف فقر محاسبه شده برای خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده ارایه شده است. بر اساس اطلاعات جدول (۵) با استفاده از خط فقر مطلق افزوده به جای خط فقر مطلق، میزان نسبت شکاف فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه، افزایش یافته و از ۰/۳۵ به ۰/۴۷ رسیده است. این تغییر در نسبت شکاف فقر از نظر آماری نیز در سطح کم‌تر از یک درصد معنی‌دار است. پس استفاده از معیار خطرپذیری، افزایش شاخص نسبت شکاف فقر را به همراه دارد. بر این اساس، با در نظر گرفتن ریسک فقر، برای رهایی کامل از فقر، حمایت از فقرا باید به گونه‌ای باشد که نه تنها آنان را فقر رهایی دهد بلکه باید ریسک فقر آنان را نیز تحت پوشش قرار دهد. به بیان دیگر، چنان چه حمایت از فقرا در برنامه‌های فقرزدایی به اندازه‌ی رسانیدن آنان به آستانه‌ی فقر باشد، این خانوارها از آسیب‌های ناشی از ریسک فقر در امان نبوده و ممکن است دوباره در دام فقر گرفتار شوند. توجه به معیار خطرپذیری در برنامه‌های فقرزدایی، نه تنها از ورود خانوارهای غیرفقیر در معرض آسیب‌های جدی فقر به حیطه‌ی فقر جلوگیری می‌کند، بلکه خروج خانوارهای فقیر از دام فقر را تضمین می‌کند. مراجعه به اطلاعات جدول (۵) نشان می‌دهد که میانگین میزان مساعدت به خانوارهای فقیر به ازای معادل هر فرد بالغ در نمونه‌ی مورد مطالعه، در صورت توجه نکردن به میزان خطرپذیری برابر ۱۷۵/۲۳ هزار ریال است که این میزان از مساعدت، فقط خانوارها را به آستانه‌ی فقر می‌رساند. اما میزان مساعدت مورد نیاز برای رهایی کامل خانوار از فقر و ریسک آن، ۳۴۵/۴۴ هزار ریال به ازای معادل هر فرد بالغ است. مقدار ۱۷۰/۲۱ هزار ریال مساعدت اضافی به ازای معادل هر فرد بالغ خانوار، از نظر آماری معنی‌دار بوده و ریسک فقر خانوارها را تحت پوشش قرار می‌دهد.

جدول (۵). شاخص نسبت شکاف فقر، شاخص شدت فقر و میانگین مساعدت برای خروج از فقر

به ازای معادل هر فرد بالغ در نمونه‌ی مورد مطالعه

مورد	بر اساس خط فقر مطلق	بر اساس خط فقر مطلق افزوده	اختلاف بین دو حالت
شاخص نسبت شکاف فقر	۰/۳۵	۰/۴۷	۰/۱۲*** (۱۴/۴۷) ^(۱)
میزان مساعدت (هزار ریال)	۱۷۵/۲۳	۳۴۵/۴۴	۱۷۰/۲۱*** (۱۰/۴۶)
شاخص شدت فقر	۰/۱۹	۰/۳۰	۰/۱۱*** (۱۰/۲۱)

مآخذ: یافته‌های تحقیق ***: معنی‌دار در سطح کم‌تر از یک درصد (۱): مقدار محاسباتی آماری t

چنانچه دیده می‌شود، شاخص نسبت شکاف فقر اظهار نظری در زمینه‌ی شدت تاثیر هر واحد مساعدت به فقرا بر روند خروج آنان از فقر نمی‌کند بلکه فقط میزان مساعدت لازم برای خروج از دام فقر را نشان می‌دهد. براین اساس، در ادامه به بررسی شاخص شدت فقر مبادرت شد. جدول (۵) شاخص شدت فقر محاسبه شده را برای خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده ارایه کرده است. بر اساس اطلاعات یاد شده با استفاده از خط فقر مطلق افزوده به جای خط فقر مطلق، میزان شاخص شدت فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه، افزایش یافته و از ۰/۱۹ به ۰/۳۰ رسیده است. این تغییر در شاخص شدت فقر از نظر آماری نیز در سطح کم‌تر از یک درصد معنی‌دار است. به این ترتیب استفاده از معیار خطرپذیری، بر روی این شاخص اثری مشابه با اثری که بر روی شاخص‌های نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر از خود بر جای گذاشته و موجب افزایش شاخص شدت فقر شده است. در عین حال، ریسک فقر بیش از آن‌چه بر نسبت سرشمار فقر اثرگذار بوده بر لایه‌های درونی فقر در قالب شاخص‌های نسبت شکاف فقر و شدت فقر تاثیر گذاشته است؛ به طوری که میزان شاخص نسبت شکاف فقر و نیز شاخص شدت فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه به طور چشم‌گیری افزایش یافته است. از سوی دیگر با توجه به شاخص شدت فقر می‌توان چنین

استنباط کرد که با در نظر گرفتن ریسک فقر، میزان تاثیر هر واحد مساعدت به فقرا در قالب برنامه‌های فقرزدایی برای رهایی آنان از فقر، بسیار چشم‌گیرتر از حالتی خواهد بود که به ریسک فقر توجه نشود. بر این اساس، توجه به معیار خطرپذیری موجب ملموس و ارزشمندتر شدن برنامه‌های فقرزدایی خواهد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در یک جمع‌بندی می‌توان چنین استنباط کرد که استفاده از معیار خطرپذیری، بر لایه‌ی سطحی فقر تاثیر ناچیزی بر جای می‌گذارد، به طوری که موجب افزایش بسیار ناچیزی در شاخص نسبت سرشمار فقر شده است. اما ریسک فقر بیش از آن چه بر نسبت سرشمار فقر اثرگذار باشد، بر لایه‌های درونی فقر در قالب شاخص‌های نسبت شکاف فقر و شدت فقر تاثیرگذار است؛ به گونه‌ای که میزان شاخص نسبت شکاف فقر و نیز شاخص شدت فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه به طور چشم‌گیری افزایش یافته است. افزون بر آن هر چند برنامه‌های فقرزدایی، گروهی از خانوارهای فقیر را از فقر رها می‌سازد، اما به دلیل ضعف این برنامه‌ها در توجه به خانوارهای غیرفقیر اما در معرض آسیب‌های جدی فقر، همواره گروه دیگری از خانوارها جایگزین خانوارهای رها شده از فقر خواهند شد. به این ترتیب نمی‌توان موفقیت چندانی را برای برنامه‌های فقرزدایی انتظار داشت. بر این اساس، برای رسیدن به موفقیت هر چه بیش‌تر در برنامه‌های فقرزدایی، توجه به معیار خطرپذیری ضروری به نظر می‌رسد. به بیان دیگر، چنان چه بخواهیم مشکل فقر به طور کامل ریشه‌کن شود، افزون بر رساندن خانوارها به سطح آستانه‌ی فقر، باید به تحت پوشش قرار دادن ریسک فقر خانوارها بر اساس میزان خطرپذیری آنان توجه شود. توجه به معیار خطرپذیری در برنامه‌های فقرزدایی، نه تنها از ورود خانوارهای غیرفقیر در معرض آسیب‌های جدی فقر به حیطه‌ی فقر جلوگیری می‌کند، بلکه خروج خانوارهای فقیر از دام فقر را تضمین می‌کند. توجه به این معیار موجب شناسایی هر چه به‌تر گروه‌های هدف شده و نیل به موفقیت هرچه بیش‌تر برنامه‌های فقرزدایی و کاراتر شدن آن‌ها را تضمین می‌کند.

افزون بر آن، با در نظر گرفتن معیار خطرپذیری، میزان تاثیر هر واحد مساعدت به فقرا در قالب برنامه‌های فقرزدایی برای رهایی آنان از فقر، بسیار چشم‌گیرتر از حالتی خواهد بود که به ریسک فقر توجه نشود. بر این اساس به طور اکید توصیه می‌شود در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی، بویژه در برنامه‌های فقرزدایی، ریسک فقر مورد توجه قرار گیرد. با توجه به این که در مورد خانوارهای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر از فقر، فقر یک تهدید است، می‌توان با استفاده از صنعت بیمه، نسبت به تحت پوشش قرار دادن ریسک فقر خانوارها و بیمه کردن آنها در برابر آسیب فقر اقدام کرد. اما برای کاهش فقر در خانوارهای همیشه فقیر و نیز برای پیش‌گیری از قرار گرفتن خانوارهای همیشه غیرفقیر در گروه خانوارهای غیرفقیر اما آسیب‌پذیر از فقر، باید تدابیر دیگری اندیشید. نمونه‌ی چنین تدابیری می‌تواند تعیین کمینه‌ی سطح دست‌مزد بر اساس مجموع میزان آستانه‌ی فقر و بیشینه‌ی میزان خطرپذیری باشد.

منابع

- جعفری‌ثانی، م. و بخشوده، م. (۱۳۸۷). بررسی توزیع زمانی و مکانی فقر و ناامنی غذایی در ایران. فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۶۱: ۱۰۳-۱۲۴.
- خالدی، ک. و پرمه، ز. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵). فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۴۹: ۵۷-۸۱.
- داداش‌زاده، ن. (۱۳۷۰). بررسی ریشه‌های فقر در ایران. پایان‌نامه‌ی دکترای اقتصاد نظری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- رضوی، ح. (۱۳۸۲). روستا، فقر و توسعه: روش‌های مقابله با فقر روستایی (تجارب کشورهای آسیایی). جلد دوم، انتشارات روستا و توسعه، تهران.
- رئیس‌دانا، ف. (۱۳۸۴). اندازه‌گیری شاخص و پوشش فقر در ایران. فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۴: ۵۷-۸۹.

زاهدی عبقری، ا. (۱۳۷۵). سیاست‌های حمایتی و راه‌های مقابله با فقر روستایی، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی. جلد اول، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

زاهدی مازندرانی، م. ج. (۱۳۸۴). فقر روستایی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران. فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۴: ۲۸۹-۳۲۶.

شفیعی، ح. و بخشوده، م. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های گروه‌های فقر و تعیین درصد افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی: مطالعه‌ی موردی استان سیستان و بلوچستان. پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی و توسعه، زاهدان.

عابدی، ع. (۱۳۸۱). اندازه‌گیری و تحلیل خط فقر و توزیع درآمد در استان آذربایجان شرقی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، گروه مطالعات اقتصادی، تبریز.
عرب‌مازار، ع. و حسینی‌نژاد، س. م. (۱۳۸۳). برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۴۵: ۱۱۳-۱۴۰.

محمودی، و. (۱۳۸۱). اندازه‌گیری فقر در ایران. فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، ۲۴: ۵۷-۲۷.

محمودی، و. (۱۳۸۲). تجزیه‌ی فقر بر حسب خصوصیات اقتصادی اجتماعی خانوارها و مناطق جغرافیایی در ایران. فصل‌نامه‌ی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۵: ۲۹-۵۲.
محمودی، و. و صمیمی‌فر، س. ق. (۱۳۸۴). فقر قابلیت‌ی. فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۴: ۳۱-۹.
معنوی، م. (۱۳۷۸). تحلیل و بررسی فقر (مطلق و ذهنی) در استان کردستان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشکده‌ی علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

میرزاخانی، م. (۱۳۷۴). بررسی روند فقر روستایی در جامعه‌ی روستایی ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

Blalock, H. M. (1972). Social statistics, New York, Tata McGraw-Hill.

- Brouwer, R., Akter, S., Brander, L. and Haque, E. (2007). Socio-Economic Vulnerability and Adaptation to Environmental Risk: A Case Study of Climate Change and Flooding in Bangladesh, *Risk Analysis*, 27: 313-326.
- Cafiero, C. and Vakis, R. (2006). Risk and vulnerability considerations in poverty analysis: Recent advances and future directions, Social Protection Discussion Paper, No. 0610, The World Bank, Washington D. C.
- Calvo, C. and Dercon, S. (2005). Measuring individual vulnerability. Department of Economics, University of Oxford, United Kingdom.
- Chen, Y. and Probert, R. (2003). A risk based regression test selection strategy, Fast Abstract ISSRE, Chillarege Press.
- Duclos, J. Y., Araar, A. and Fortin, C. (2002). DAD: Distributive Analysis/Analyse Distributive user's manual, Department deconomie, Universite Laval, Quebec, Canada.
- Grootaert, C. and Narayan, D. (2004). Local institutions, poverty and household welfare in Bolivia, *World Development*, 32: 1179-1198.
- Gujarati, D. N. (2005) Basic econometrics, Fourth Edition, New Delhi, Tata McGraw-Hill.
- Hayati, D. and Karami, E. (2005). Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers, *Journal of Economic Psychology*, 26: 884-901.
- Kaarik, E., Tiit, E. M. and Vahi, M. (2002). MCMC model for estimation of poverty risk factors using household budget data, Institute of Mathematical Statistics, University of Tartu, Estonia.
- Kalton, G. (1990) Introduction to survey sampling, Sage publication, Inc., USA.
- Kikilias, E. and Gazon, E. (2005). Regional aspect of poverty in Greece, Social Cohesion Bulletin, National Center for Social Research, Athens, Greece.
- Kubi, K. A., Oduro, A. D. and Senadza, B. (2005). Understanding poverty in Ghana: Risk and vulnerability, ISSER, University of Ghana.
- Najafi, B. and Shooshtarian, A. (2006). Determinants of Poverty for Rural and Urban Households in Iran, 13th Annual Conference Economic Research Forum, Kuwait.
- Rehm, P. (2005). Support for the welfare state: How income and risk shape redistributive preferences, Comparative Political Economy Workshop, Harvard University.
- Smith, J. L. (2005). Supporting collaborative design through risk analysis: Benefits of calculated risk in the design of interactive systems, Faculty of the Virginia, Virginia.

- SSDAN. (2008). Module 2: Cohabitation and divorce, The Social Science Data Analysis Network, <http://www.ssdan.net>.
- Taylor, L. (2002). Security scanning is not risk analysis, *Internet Journal*, Jupitermedia Corporation, <http://www.internetjournal.com>.
- The World Bank. (2001). *Attacking Poverty*, World Development Report 2000/2001, Published For the World Bank, Oxford University Press.

Archive of SID